

## تحلیل سرمایه‌ی اجتماعی و باروری زنان در مناطق شهری سبزوار

حسین قدرتی\*، استادیار جامعه‌شناسی، مرکز پژوهشی جغرافیایی و اجتماعی، دانشگاه تربیت معلم سبزوار

علی یار احمدی، استادیار جمعیت‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی، دانشگاه شیراز

مریم مختاری، استادیار جامعه‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج

حسین افراسیابی، استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد

### چکیده

مقاله‌ی حاضر به بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی زنان متأهل و باروری آن‌ها و توزیع میزان باروری در مناطق مختلف شهری می‌پردازد. بدین منظور نمونه‌ای ۳۸۴ نفری از زنان ۲۰ تا ۵۰ ساله‌ی ساکن در شهر سبزوار به صورت تصادفی مورد مصاحبه قرار گرفتند. متغیر وابسته‌ی تحقیق با شاخص تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده سنجیده شده است. از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به ابعاد ارتباطی و عینی آن اکتفا شده و متغیرهای عضویت در گروه‌های رسمی و عضویت غیررسمی به عنوان شاخص‌های مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی مورد سنجش قرار گرفت. در کنار بررسی تأثیر متغیرهای مستقل یاد شده، تأثیر متغیرهای تحصیلات، درآمد، وضعیت اشتغال، محل تولد و میزان استفاده از رسانه‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که دو متغیر تحصیلات زن و عضویت در گروه‌های رسمی، به ترتیب مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تعداد فرزندان به دنیا آمده هر زن می‌باشند که در مجموع ۲۰ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. متغیر تحصیلات دارای تأثیری منفی بر باروری است در حالی که اثر متغیر دیگر بر روی باروری مثبت است. هم‌چنین رابطه‌ی معنی‌داری میان منطقه‌ی محل سکونت و میزان باروری مشاهده شد. به این معنی که هرچه مناطق به لحاظ اجتماعی اقتصادی وضعیت بهتری دارند، دارای میانگین باروری کمتری هستند.

### واژگان کلیدی

مناطق شهری، باروری، سرمایه‌ی اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی

## ۱ - مقدمه

یکی از موضوعات محوری که به ویژه در نیم قرن اخیر در مرکز مباحث توسعه قرار گرفته است، موضوع جمعیت است. این رابطه به ویژه از اواسط دهه‌ی ۵۰ تا میانه‌ی دهه‌ی ۷۰ میلادی در غرب به نحوی ارائه می‌شد که کنترل جمعیت را پیش نیاز توسعه تلقی می‌کرد (Furedi, 1997: 3). هر چند این رابطه در دهه‌های بعد به شیوه‌ای دیگر صورتبندی گردید (Ibid: 3-4). در کشورهای اروپایی در طول قرن نوزدهم، رشد جمعیت هم‌زمان با توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی به وقوع پیوست و به همین خاطر برخی آن را محرک توسعه می‌دانند (میرزایی ۱۳۸۴: ۵۰).

جمعیت جوامع را غالباً حاصل سه مؤلفه‌ی اصلی یعنی باروری، مرگ و میر و مهاجرت می‌دانند که در این میان مؤلفه‌ی باروری به عنوان عامل منحصر به فرد افزایش جمعیت در سطح جهانی، از اهمیت بیش‌تری برخوردار است (جون، ۱۳۸۸: ۲۷۸). این امر بیش‌تر به خاطر کنترل عامل مرگ و میر در قرن بیستم به خاطر پیشرفت پزشکی و بهداشت است. مرگ و میر در دوره‌ی قبل از گذار جمعیتی، عاملی مهم بود که پا به پای باروری تعیین‌کننده‌ی جمعیت جوامع انسانی محسوب می‌شد.

کنترل جمعیت چه موجب تسریع فرایند توسعه شود و چه مانع آن باشد، آن چه بدیهی است این که شناخت علمی سازوکارهای مؤثر در پدیده‌های جمعیتی به ویژه باروری که موضوع مطالعه‌ی حاضر است، به برنامه‌ریزی در جهت توسعه کمک می‌کند.

در دهه‌های اخیر، موضوع سرمایه‌ی اجتماعی در مرکز بحث‌های توسعه در رشته‌های مختلف دانشگاهی هم‌چون جامعه‌شناسی (Coleman, 2002)، علوم سیاسی (Putnam, 2000) اقتصاد (فوکویاما<sup>۱</sup> ۱۳۸۵) و سایر حوزه‌های علمی قرار گرفته است. سرمایه‌ی اجتماعی دلالت بر دارایی‌های جمعی می‌کند که کنش را تسهیل می‌کنند و افراد را در دستیابی به اهداف خود یاری می‌دهند (Coleman, 2002: 110). شاخص‌های متعددی برای این مفهوم در نظر گرفته شده که از جمله آن‌ها می‌توان به مشارکت اجتماعی، عضویت در انجمن‌ها و شبکه‌های داوطلبانه، میزان کانال‌های ارتباطی اعم از ارتباطات غیررسمی و دوستانه، اعتماد به دیگران و غیره اشاره کرد. رابطه‌ی طیف وسیعی از شاخص‌های خرد و کلان از جمله رشد اقتصادی، میزان بزه و جرم، طلاق، مرگ و میر، مشارکت سیاسی و ... (فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۶۲) با این مفهوم مورد بررسی قرار گرفته است.

امروزه در تحقیقات باروری به شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی توجه روزافزونی می‌شود که هم‌چون واسطه‌ای عمل می‌کنند که افراد از طریق آن‌ها چیزهای زیادی در مورد رفتارهای جمعیتی فرا می‌گیرند. با این حال شبکه‌های اجتماعی می‌توانند منشأ منابع ارزشمندی باشند که به کاهش هزینه‌های فرزندان کمک می‌کنند و نوعی سرمایه‌ی اجتماعی مرتبط با باروری را ایجاد می‌کنند (Buhler and Fratzack, 2004: 1).

ایران کاهش سریع باروری را در اواخر دهه‌ی ۱۳۶۰ و در طول دهه‌ی ۱۳۷۰ تجربه کرده است و در سال ۱۳۷۹ به باروری زیر سطح جایگزینی رسیده است. در سال ۱۳۷۵ فقط در چهار استان کشور، باروری به زیر سطح جایگزینی رسید اما آمارهای اخیر نشان می‌دهد که این سطح باروری دیگر استثنا نبوده و حدود نیمی از استان‌های کشور واجد چنین ویژگی شده‌اند (عباسی شوازی و همکاران ۱۳۸۸: ۴۱).

در ایران در دوره‌ی پس از انقلاب اسلامی امکان حضور زنان در برخی عرصه‌ها، به ویژه آموزش دانشگاهی گسترش قابل توجهی یافته است، به گونه‌ای که در حال حاضر زنان سهم بیش‌تری از دانشجویان وارد شده به دانشگاه‌ها را نسبت به مردان تشکیل می‌دهند. به موازات این حضور و نیز گسترش وسایل ارتباط جمعی در جامعه،

<sup>۱</sup> - Fukuyama

امکان عضویت آن‌ها در گروه‌ها، انجمن‌ها و شبکه‌های داوطلبانه و نیز استفاده از رسانه‌ها بیش‌تر شده است. این عضویت در شبکه‌های اجتماعی و استفاده از کانال‌های ارتباطی، بیانگر وجه عینی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی است که موضوع مطالعه‌ی حاضر است. نکته‌ی قابل توجه این است که روابط و تعاملات اجتماعی چه نوع رسمی آن و چه به ویژه نوع غیررسمی آن عمدتاً در بافت زندگی اجتماعی افراد در منطقه‌ی محل سکونت رخ می‌دهد. این مقاله به بررسی رابطه‌ی یکی از ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی یعنی کانال‌های ارتباطی با باروری زنان می‌پردازد. در ایران مطالعات مربوط به موضوع سرمایه‌ی اجتماعی در حیطه‌ی موضوعات جامعه‌شناختی با اقبال روبرو شده است؛ اما در حوزه‌ی مطالعات جمعیت‌شناسی، چندان به آن پرداخته نشده است. به علاوه در پژوهش پیش‌رو رابطه‌ی منطقه و محل زندگی در شهر نیز با باروری مورد بررسی قرار می‌گیرد. محققان زیادی در حوزه‌ی جغرافیا و جامعه‌شناسی شهری اهمیت محله‌های شهری و اثر آن بر طیف وسیعی از متغیرها را مورد تأکید قرار داده‌اند (فیالکوف، ۱۳۸۳). در این پژوهش منظور از محله یا منطقه‌ی شهری واحدهای اجتماعی است که تا حدی به صورت اتفاقی و ناخودآگاه به وجود آمده‌اند و با گذشت زمان توانسته‌اند شکل و قالب ثابت و پایداری بیابند. این محله‌ها واجد افراد با ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نسبتاً مشابه هستند که آن‌ها را از محله‌های دیگر متمایز می‌سازد. این نوع تعریف محله، گاه منطبق با تقسیم‌بندی جغرافیایی شهر است (عبدالمی و همکاران، ۱۳۸۹).

## ۲ - پیشینه‌ی تحقیق

به رغم عدم توجه به سرمایه اجتماعی در ادبیات جمعیت‌شناسی کشور، مطالعات متعددی در ارتباط با سرمایه اجتماعی و مسائل جمعیتی موجود است. از جمله آنان می‌توان به مطالعه بوهرلر و فراتزاک (۲۰۰۴: ۲) با عنوان *سرمایه‌ی اجتماعی و تمایلات باروری در لهستان* اشاره کرد که با استفاده از داده‌های پیمایش سال ۲۰۰۱ به بررسی اثر سرمایه‌ی اجتماعی بر تمایل به داشتن فرزند دوم پرداخته شده است. در این مطالعه سرمایه‌ی اجتماعی با تعداد روابط مبادله‌ای حمایتی سنجیده شد. نتایج این پژوهش نشان داد که رابطه‌ی مثبتی میان تعداد روابط مبادله‌ای با تمایل به داشتن فرزند دوم وجود دارد. این اثر در وهله‌ی اول با تعداد والدین عضو شبکه‌ها و سپس تعداد دوستان حمایت‌گر، تعیین می‌گردد.

بوهرلر مطالعه‌ی دیگری با عنوان *در باب ارزش ساختاری فرزندان و تضمینات آن برای باروری مطلوب در بلغارستان* با استفاده از داده‌های سال ۲۰۰۲ انجام داده است که در این پژوهش به بررسی بنیان‌های نظری ارزیابی‌های ساختاری در مورد فرزندان با عطف نظر به نظریه‌های ارزش فرزندان، شبکه‌های اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی پرداخته است. وی استدلال می‌کند که باروری پیامدهایی دارد که منجر به تغییرات خواسته یا ناخواسته در شبکه‌های اجتماعی افراد و روابط مبادله‌ای آن‌ها می‌شود (Buhler, 2009).

مطالعه‌ای با عنوان *تأثیر عوامل اجتماعی بر باروری* توسط برناردی<sup>۱</sup> و همکاران (2007) انجام شد. هدف از این مطالعه، بررسی تأثیر روابط شخصی بر تصمیمات باروری در کشورهای صنعتی غربی بود. به این منظور روش ترکیبی تحلیل کمی شبکه و مصاحبه‌ی کیفی مورد استفاده قرار گرفت و دو شهر از شرق و غرب آلمان با هم مورد مقایسه قرار گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهد که رهیافت شبکه‌ی اجتماعی می‌تواند برای تبیین شکل‌گیری تمایلات باروری در یک کشور اروپای غربی به کار رود. به علاوه ارزیابی ذهنی پاسخ‌گویان از روابط خاص و تجربه‌ها، رفتارها و نگرش‌های طرف‌های آن‌ها در شبکه، برای درک اثرات ساختارهای شبکه‌ای خاص، بسیار مهم است (Bernardi and others, 2007: 20).

<sup>1</sup> - Bernardi

## ۳- مبانی نظری

## ۳-۱- نظریه‌های مرتبط با باروری

برای تبیین تغییرات باروری، متخصصان نظریه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند. از اولین تلاش‌ها، می‌توان به صورت‌بندی نظریه‌ی گذار جمعیتی اشاره کرد. براساس این نظریه، به موازات صنعتی شدن، سطح زندگی و شرایط بهداشت، بهبود یافته و در نتیجه سطوح مرگ و میر کاهش یافته است. کاهش باروری، تحت تأثیر این تغییرات، اندکی بعد از کاهش مرگ و میر رخ داده است که این کاهش مربوط به تغییر در شیوه‌ی زندگی اجتماعی، شهرنشینی و صنعتی شدن می‌باشد. این عوامل در ابتدا باعث کاهش مرگ‌ومیر می‌شوند که این امر به نوبه‌ی خود از طریق افزایش احتمال بقای کودکان، باعث کاهش باروری می‌گردد. بر این اساس شهرنشینی و صنعتی شدن، باعث ایجاد سبکی از زندگی می‌شود که پرورش بچه‌ها را هزینه‌آور می‌سازد و به تدریج ارزش‌های مربوط به داشتن فرزندان زیاد، از بین می‌رود. شرط اساسی این نظریه این است که باروری پایین، نتیجه‌ی مستقیم نوسازی و صنعتی شدن است (United Nations, 1990: 3).

تئوری واکنش و تغییرات جمعیتی دیویس<sup>۱</sup> نوع تصمیم‌گیری افراد را طوری در نظر می‌گیرد که الزاماً قبل از کاهش سطوح بالای باروری، اتفاق می‌افتد. تئوری در آمد نسبی استرلین<sup>۲</sup> بر این نظر استوار است که رفتار باروری تنها براساس آن‌چه که در جامعه در حال وقوع است، بنا نشده، بلکه بر طبقه‌ی فرد در جامعه نیز استوار شده است. این دیدگاهی است که به طور خاص تعامل بین عوامل و پیامدهای تغییر جمعیت را به هم مرتبط می‌کند (Weeks, 1992: 84).

کالدول، علت کاهش باروری را مربوط به هسته‌ای شدن خانواده (منظور محدود شدن خانواده‌ی گسترده شامل پدر و مادر و فرزندان مجرد و متأهل و... به خانواده‌های زن‌وشوهری می‌باشد) و جریان ثروت بین نسلی (یعنی اینکه جریان ثروت در خانواده به چه صورت می‌باشد، آیا والدین کار می‌کنند و فرزندان استفاده می‌کنند یا برعکس) از طرف والدین به فرزندان می‌داند که قبلاً جهت این جریان از فرزندان به والدین بود (منصوریان، ۱۳۸۰). گزاره‌ی اصلی این نظریه این است که قبل از شروع کاهش باروری در یک جامعه، باروری کنترل نشده از نظر اقتصادی، یک انتخاب عقلانی محسوب می‌شود چون فرزندان واجد ارزش و منفعت هستند (جدا از بار مصرفی آن‌ها بر روی خانواده) و در مواقع خطر، بیماری و سالخوردگی والدین، نقش بیمه‌ای ایفا می‌کنند (Caldwell, 2006: 89). بکمن<sup>۳</sup> مدل روانشناختی اجتماعی از تصمیم‌گیری زوجین به باروری ترسیم می‌کند. او چنین می‌انگارد که تعدادی متغیرهای روان‌شناختی زمینه‌ای وجود دارد که به‌طور مستقل و در ترکیب با مجموعه‌ای وسیع‌تر عمل می‌کنند (Weeks, 1992: 84).

در دهه‌ی ۱۹۸۰ بیش‌تر محققین معتقد بودند که کاهش شدید باروری در کشورهای صنعتی که از چهل سال قبل آغاز شده بود، با افزایش مشارکت نیروی کار زنان همراه است. به عنوان مثال مبدعان مفهوم انتقال جمعیتی دوم، کاهش تمایل به فرزندآوری را به افزایش استقلال اقتصادی زنان و تلاش آنان برای خوداتکایی مربوط دانستند. به طور مشابه بکر<sup>۴</sup> با توجه به هزینه‌های بالای مادر بودن، به خصوص برای زنان با تخصص‌های بالا، دلایل کاهش تمایل به فرزندآوری را افزایش علاقه زنان به تحصیلات و کار عنوان نمود.

با این وجود از اواسط دهه ۱۹۸۰ روندهای مشاهده شده در سطوح کلان در تضاد با این تئوری‌ها بود. کشورهایی که واجد پایین‌ترین مشارکت نیروی کار زنان بودند، پایین‌ترین نرخ باروری را نیز داشتند. به علاوه از اواسط دهه ۱۹۸۰ روند رو به پایین باروری در این کشورها مشهود بود. این مشاهدات منجر به بحث در مورد تغییر رابطه‌ی بین مشارکت نیروی

<sup>1</sup> - Davis

<sup>2</sup> - Easterlin

<sup>3</sup> - Beckman

<sup>4</sup> - Becker

کار زنان و باروری کل در سطح کلان گردید. برخی معکوس شدن رابطه را، به تغییرات ایجاد شده در بستر نهادی (تغییر نگرش‌ها نسبت به مادران کارمند، ورود سیاست‌های خانواده و بازار کار با هدف آشتی کار و خانواده) مربوط می‌کنند (Matysiak, 2007).

نظریه‌ی توسعه‌ای بر این پیش‌فرض مبتنی است که مشخصه‌ی جوامع سنتی تفکیک شدید نقش‌های جنسیتی است که مانع کار زنان در بیرون از خانه می‌گردد. ادبیات گسترده‌ای در جمعیت‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، نشان داده است که گذار عمیقی که در نقش‌های جنسیتی به موازات فرایند نوسازی رخ داده است. بیش‌تر جوامع پیشاصنعتی، فرزندآوری و فرزندپروری را هم‌چون آشپزی در خانه، کار اصلی زنان در زندگی می‌دانند. در جوامع پسا صنعتی، نقش‌های جنسیتی به خاطر انقلاب ساختاری در نیروی کار دست‌مزدی، فرصت‌های تحصیلی برای زنان، و ویژگی‌های خانواده‌ی مدرن، روز به روز به هم نزدیک‌تر می‌گردد. در بیش‌تر کشورهای ثروتمند، زنان دیرتر ازدواج می‌کنند و فرزندان کم‌تری نسبت به نسل‌های پیشین به دنیا می‌آورند. افزایش سریع هم‌خانگی در قبل از ازدواج، موقعیت یگانه و مرجع ازدواج را به چالش طلبیده است. زنان هرچه بیش‌تر وارد بازار کار دست‌مزدی می‌شوند و خانواده‌ها که قبلاً فقط مرد نان‌آور بود، به خانواده‌های دارای دو نان‌آور تغییر شکل می‌دهند. گرچه شکاف جنسیتی در نرخ‌های مشارکت اقتصادی کم‌تر می‌شود؛ اما ماهیت نقش‌های مردان و زنان در بازار کار همچنان متفاوت است (Inglehart and Noris, 2003). براساس نظریه‌های برابری جنسیتی، نرخ‌های باروری در جوامع مدرن، بستگی به انسجام بین تحصیل و فرصت‌های شغلی دارد که رسماً در دسترس زنان است و هم‌چنین بستگی به قابلیت آن‌ها برای بهره‌برداری از این فرصت‌ها دارد (Bonoli, 2008: 66). در گذشته بیش‌تر زنان به خاطر نقش‌های خانه‌داری، از فرصت‌های کاری بی‌بهره بودند و نسبت به مردان از فرصت تحصیل و اشتغال بهره‌مند نبودند. در چنان شرایطی زنان در معرض انتظارات تضادآمیز قرار نمی‌گرفتند و نرخ‌های بالای باروری، طبیعی بود. امروزه در بسیاری از کشورها، زنان به آموزش و تحصیل به همان اندازه‌ی مردان دسترسی دارند. با وجود این آن‌ها برای بهره‌مندی بیش‌تر از این فرصت‌ها، ممکن است بالاجبار از باروری چشم‌پوشند یا آنرا کاهش دهند.

### ۳-۲- نظریه‌های مرتبط با سرمایه‌ی اجتماعی

مضمون مرکزی نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی اهمیت روابط است. ایجاد ارتباط با دیگران و حفظ آن در طول زمان، افراد را قادر می‌سازد به چیزهایی دست یابند که بدون آن، امکان دستیابی به آن‌ها را ندارند یا به سختی موفق به کسب آن‌ها می‌شوند (Field, 2003: 1). شبکه‌های مشارکت مدنی از جمله انجمن‌های همسایگی، باشگاه‌های ورزشی، تعاونی‌ها و ... یکی از اشکال ضروری سرمایه‌ی اجتماعی است که هرچه در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند، احتمال بیش‌تری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند. این شبکه‌ها موجب تسهیل ارتباطات و جریان اطلاعات می‌شوند و از این طریق اعضای خود را در رسیدن به اهداف خود کمک می‌کنند (پاتنام ۱۳۸۰: ۲۹۶-۲۹۷).

برخی، شبکه‌های اجتماعی را معادل سرمایه‌ی اجتماعی دانسته و آن را به شبکه‌های رسمی و غیررسمی تقسیم کرده‌اند. در این رویکرد اعضای شبکه‌ها می‌توانند کالاها و خدماتی را از شبکه دریافت کنند. ویژگی شبکه‌های غیررسمی وجود روابط رو در رو بین تعداد محدودی از افرادی است که همدیگر را می‌شناسند و به واسطه‌ی خویشاوندی و دوستی به هم مرتبط هستند و فاقد قواعد مکتوب‌اند. اما شبکه‌های رسمی واجد قواعد، ویژگی قانونی و بوروکراتیک هستند (Rose, 2000: 149).

سرمایه‌ی اجتماعی مانند سایر اشکال سرمایه، مولد است و دست‌یابی به اهداف خاص را ممکن می‌سازد که بدون آن امکان‌پذیر نیست. به‌رغم سایر اشکال سرمایه، سرمایه‌ی اجتماعی، در ذات روابط بین کنش‌گران است نه در خود کنش‌گران یا ابزار فیزیکی تولید (Coleman, 2002: 11).

در دهه‌های اخیر توجه روزافزونی به رابطه‌ی تعاملات اجتماعی یا شبکه‌های اجتماعی با باروری به‌طور خاص شده است (Bongaarts and Watkins, 1996). گروهی از پژوهش‌ها بر فرایندهای اشاعه، تحلیل شبکه‌های ارتباطی و نقش آن‌ها در اشاعه‌ی رفتار جدید تمرکز می‌کنند، مانند کوهلر و بوهلر (2001) و گروه دیگر بر مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی متمرکز می‌شوند مانند فیلیپو<sup>۱</sup> و دیگران (Cited by Keim and others, 2009). چنان‌که برخی استدلال کرده‌اند ارتباطات گسترده و تأثیر رسانه‌های جمعی در کشورهای در حال توسعه، سرعت اشاعه‌ی ایده‌های مربوط به تنظیم خانواده را چه در نقاط شهری و چه در مناطق روستایی افزایش داده است و امروزه افراد، علی‌رغم نسل‌های پیشین به واسطه‌ی رادیو و تلویزیون به بسیاری از نقاط جهان دسترسی دارند (Robey and others, 2002: 233). همان‌گونه که لوکوه<sup>۲</sup> و وندرمیچ<sup>۳</sup> (2000: 109) خاطر نشان کرده‌اند یکی از راه‌های گسترش استفاده از خدمات تنظیم خانواده، توسعه‌ی انجمن‌های داوطلبانه در کشورهای در حال توسعه است که نقش مهمی در تشویق افراد عضو، به استفاده از این خدمات و کاهش باروری داشته است. این دریافت حمایت و اطلاعات از شبکه‌ها و رسانه‌ها می‌تواند بسته به آمال و آرزوهای زنان و محتوای برنامه‌ها موجب تشویق به باروری یا کنترل آن گردد.

در تحقیق حاضر تأثیر میزان استفاده از رسانه‌ها نیز به عنوان یک متغیر مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد. کالدول در توضیح اثرات «جهانی شدن اجتماعی» و «اشاعه»ی ایده‌ها و آگاهی‌ها، در گذار جمعیتی مدرن، بر قدرت شبکه‌ی جهانی رسانه‌هایی هم‌چون روزنامه‌ها و ماهواره در تبلیغ و توسعه‌ی ارزش‌های طبقه‌ی متوسط غربی و پیامدهای آن برای کاهش اندازه‌ی خانواده و پذیرش وسایل جلوگیری تأکید می‌کند (Caldwell, 2006: 225-228). به نظر کالدول در غرب، زمان کاهش باروری در کشورهای انگلیسی زبان در پی کاهش باروری در ایالات متحده و از طریق رسانه‌ها و ارتباطات رخ داد (Ibid: 262). با توجه به اینکه کله‌لند و ویلسون، کاهش باروری را حاصل اشاعه‌ی ایده‌های جدید و آگاهی در مورد تنظیم باروری می‌دانند، نه حاصل تغییرات ایجاد شده در عوامل اجتماعی اقتصادی یا نهادهای اجتماعی (Abbasi-Shavazi and others, 2009: 10)، می‌توان ادعان کرد که استفاده از رسانه‌های جمعی تأثیر غیرقابل انکاری بر روی اشاعه‌ی این ایده‌ها و به تبع آن باروری دارد.

شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ارتباطی می‌توانند به عنوان نوعی سرمایه‌ی اجتماعی، منابعی را برای زنان فراهم کنند. منابعی هم‌چون زمان، پول، کالا، خدمات و قدرت. افراد به عنوان کنشگران عقلانی از منابع در دسترس خود استفاده می‌کنند تا به حداکثر اهداف مطلوب خود دست یابند. از جمله‌ی این اهداف می‌تواند فرزندآوری و پرورش فرزند باشد. نقش خدمات دریافت شده از شبکه‌های اجتماعی در یک جامعه، به ویژه هنگامی بیش‌تر اهمیت می‌یابد که هنوز نهادهای مراقبت از کودکان چندان جایگیر نشده‌اند (Buhler and Fratzack, 2004: 4). از طرفی در کشورهای در حال توسعه که زنان برابری جنسیتی بیش‌تری کسب می‌کنند و به واسطه‌ی تحصیلات و کسب شغل، عرصه‌ی اجتماعی را بیش‌تر تجربه می‌کنند و به تبع آن به دنبال تحقق انتظارات و آمال و آرزوهای فردی خود می‌روند، از باروری خود می‌کاهند چون فرزندآوری و پرورش فرزندان که در جامعه‌ی سنتی پیشامدرن، وظیفه‌ی اصلی زن تلقی شده است مانع دستیابی به آرزوها و اهداف فردی زنان است (Mc Donald, 2000). در چنین شرایطی

<sup>1</sup>- Philipov

<sup>2</sup>- Locoh

<sup>3</sup>- Vandermeesch

شبکه‌های حمایتی می‌توانند در کاهش هزینه‌های مراقبت از فرزندان نقش مهمی داشته باشند و در ترغیب زنان به باروری نقش مثبتی ایفا کنند.

در تبیین تغییرات باروری در ایران نیز، عباسی شوازی و همکاران استدلال می‌کنند روند روزافزون شهرنشینی، افزایش سطح تحصیلات زنان، افزایش سن ازدواج به خاطر رقابت شغلی کوهورت‌های بعد از انقلاب، بالا رفتن پایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان از جمله علت‌های کاهش باروری در کشور بوده است (Ibid: 27-29). پر واضح است که عوامل فوق ارتباط غیر قابل انکاری با رشد سرمایه‌های اجتماعی افراد داشته و باعث افزایش تشکیل گروه‌های غیر سنتی در جامعه خواهند شد. بنابر آن چه گفته شد در مطالعه‌ی پیش رو مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی با وجه رابطه‌ای آن یعنی عضویت در شبکه‌ها و انجمن‌های داوطلبانه مورد سنجش قرار گرفته و رابطه آن با باروری مورد بررسی قرار گرفته است.

#### ۴ - روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش پیمایشی است و برای گردآوری داده‌ها از تکنیک پرسشنامه استفاده گردید. اعتبار پرسشنامه، اعتبار صوری است و برای دستیابی به پایایی مورد قبول، با انجام پیش‌آزمون و با استفاده از آماره‌ی آلفای کرونباخ، همسازگی گویه‌های پرسشنامه تأمین گردید. جامعه‌ی آماری این تحقیق، تمام زنان متأهل ساکن شهر سبزوار هستند که در فاصله‌ی سنی ۲۰-۵۰ سال قرار دارند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ مورد لحاظ گردید و برای پر کردن پرسش‌نامه از شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. از آن جا که منطقه‌بندی مناسبی برای شهر سبزوار انجام نشده، با مشورت متخصصان تعداد ۱۲ منطقه‌ی متمایز از نظر سطح اجتماعی اقتصادی انتخاب گردید که عبارتند از حوزه‌ی خیابان‌های ناوی، امیرکبیر (انتهای شمالی)، اسلام‌آباد-جعفرآباد، اسرار جنوبی، هویزه، چهل متری، مهرباب، مدرس، ابن‌یمین شرقی، ارم، نجارآباد و فرهنگیان. پرسشنامه‌ها درون این مناطق تکمیل گردید.

#### ۵ - فرضیه‌های تحقیق

بنابر آن چه در بخش مبانی نظری آمد، فرضیه‌های این تحقیق عبارت است از: رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل میزان استفاده از رسانه‌ها؛ میزان تعاملات یا عضویت رسمی در شبکه‌ها، میزان تعاملات غیررسمی، منطقه‌ی محل سکونت و نیز متغیرهای زمینه‌ای و اجتماعی اقتصادی مانند محل تولد، سن زن، وضعیت اشتغال، درآمد زن و همسر، تحصیلات زن و همسر و والدین او، با متغیر وابسته‌ی باروری زن.

#### ۶ - تعریف مفاهیم و متغیرها

**باروری:** برای سنجش این متغیر تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده سنجیده شده است.

**سرمایه‌ی اجتماعی:** سرمایه‌ی اجتماعی مجموعه منابعی است هم‌چون اطلاعات، کمک مالی، و حمایت اجتماعی که از طریق ایجاد ارتباط و پیوند اعضای جامعه با خویشان، اجتماع، یا نهادها حاصل می‌شود (Brown and Bean, 2005: 358). در این تحقیق مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی با استفاده از دو متغیر عضویت در شبکه‌ها و گروه‌های رسمی و عضویت در گروه‌های غیررسمی عملیاتی شده است. انجمن‌های داوطلبانه‌ی رسمی، ورای عضویت افراد خاص، بقا می‌یابند. به علاوه باید پیوندهای بین افراد در گروه‌های مختلف اندازه‌گیری شود. این پیوندها است که نشانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی مثبت برای اجتماع است. برای سنجش این پیوندهای متقاطع در جامعه‌ی مورد مطالعه، بهترین گزینه این است که عضویت‌های چندگانه‌ی فرد را در گروه‌های مختلف بسنجیم (Paxton, 1999: 100-101). در این

پژوهش عضویت در هفت نوع شبکه مورد نظر است: انجمن‌های خیریه و مذهبی، انجمن‌های والدین و مربیان، انجمن‌ها و گروه‌های ورزشی، تعاونی‌ها، انجمن‌های علمی، شغلی و هنری. علاوه بر عضویت رسمی در انجمن‌ها و شبکه‌ها، متغیر عضویت غیررسمی نیز با میزان ارتباط صمیمانه با الف- اعضای خانواده ب- دوستان ج- همسایگان نیز مورد سنجش قرار می‌گیرد.

متغیر میزان استفاده از رسانه‌ها نیز، حاصل ترکیب میزان استفاده از تلویزیون داخلی و خارجی، رادیو، اینترنت، کتاب و مجلات است. هم‌چنین متغیر درآمد خانواده و مرتبه‌ی شغلی خانواده براساس میانگین این متغیرهای برای زن و مرد محاسبه شده است. متغیر درآمد با میانگین درآمد ماهیانه عملیاتی شده است. برای محاسبه‌ی متغیر مرتبه‌ی شغلی از مرتبه‌بندی مشاغل در تحقیق مقدس استفاده گردید (مقدس، ۱۳۷۴).

#### ۷ - یافته‌ها

در نمونه‌ی مورد مطالعه، میانگین سنی برابر با ۳۴/۷ سال و میانگین تحصیلات زنان برابر با ۱۱/۶ سال است. ۳۱/۱ درصد زنان نمونه شاغل و ۶۸/۹ درصد غیرشاغل هستند. ۲۹/۲ درصد زنان مورد مطالعه مهاجر و ۶۸/۴ درصد آن‌ها غیرمهاجرند. میانگین ماهیانه‌ی درآمد زنان شاغل ۳۰۳ هزار تومان است. میانگین تحصیلات همسران زنان نمونه ۱۱/۹۳ سال و میانگین درآمد ماهیانه‌ی آن‌ها ۳۹۱ هزار تومان است.

میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده برای هر زن ۲/۰۶ است. حداقل مشاهده شده صفر و حداکثر آن برای این شاخص، تعداد ۸ فرزند است. با توجه به ضرایب چولگی (۰/۸۲) و کشیدگی (۰/۴۹)، نمودار توزیع پراکندگی متغیر وابسته نزدیک به نرمال است.

فراوانی تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده در نمونه نشان می‌دهد که بیش‌ترین مقدار مربوط به عدد ۱ است که ۲۷/۲ درصد نمونه را به خود اختصاص داده است. کم‌ترین مقدار نیز به عدد صفر تعلق دارد که نشان می‌دهد ۱۶/۲ درصد از زنان نمونه هیچ فرزند زنده‌ای به دنیا نیاورده‌اند.

جدول شماره ۱ میانگین فرزندان زنده به دنیا آمده را در بین طبقات متغیرهای مستقل تحصیلات، میزان استفاده از رسانه، عضویت رسمی و غیررسمی نشان می‌دهد. براساس متغیر تحصیلات، کم‌ترین میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده مربوط به زنان با تحصیلات دیپلم و بالاتر از آن است و هرچه از میزان تحصیلات کاسته می‌شود بر متغیر وابسته‌ی تحقیق یعنی باروری افزوده می‌گردد. در مورد متغیر رسانه الگوی خاصی مشاهده نمی‌شود. در مورد متغیرهای عضویت رسمی و غیررسمی با افزایش عضویت زنان در این انجمن‌ها، میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۱- میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده براساس طبقات متغیرهای مستقل

متغیرها	میانگین فرزندان زنده به دنیا آمده	متغیرها	میانگین فرزندان زنده به دنیا آمده
تحصیلات		استفاده از رسانه	
زیرمتوسطه	۳/۰۷	کم	۱/۹۶
متوسطه	۲/۰۲	متوسط	۲/۰۷
متوسطه به بالا	۱/۴۰	زیاد	۲/۰۲
عضویت رسمی		عضویت غیررسمی	
عدم عضویت	۱/۹۹	کم	۱/۹۲



متغیرها	میانگین فرزندان زنده به دنیا آمده	متغیرها	میانگین فرزندان زنده به دنیا آمده
عضویت در یک تا دو انجمن	۱/۹۷	متوسط	۱/۹۷
عضویت در بیش از دو انجمن	۲/۳۷	زیاد	۲/۲۸

جدول شماره ۲، نتایج آزمون همبستگی پیرسون میان متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می‌دهد. با توجه به سطح معنی‌داری می‌توان دریافت که از میان یازده متغیر مستقل فاصله‌ای، رابطه‌ی متغیرهای سن زن، تحصیلات زن، تحصیلات شوهر، مرتبه‌ی شغلی خانواده، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر و عضویت در شبکه‌های رسمی، با متغیر وابسته‌ی تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده معنی‌دار است و فرضیه‌های مربوط به این متغیرها با متغیر وابسته‌ی تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده تأیید می‌گردد. رابطه‌ی متغیرهای سن زن و عضویت در شبکه‌های رسمی با متغیر وابسته، مستقیم و رابطه‌ی باقی متغیرهای یادشده با متغیر وابسته، معکوس است.

جدول شماره ۲- آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته‌ی تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده

معناداری	ضریب همبستگی	متغیرهای مستقل			
**	۰/۵۷	سن زن			
**	-۰/۴۰	تحصیلات زن			
n.s	-۰/۰۵	درآمد زن			
n.s	-۰/۰۱	درآمد شوهر			
**	-۰/۳۲	تحصیلات شوهر			
**	-۰/۱۸	مرتبه‌ی شغلی خانواده			
**	-۰/۲۲	تحصیلات پدر			
**	-۰/۳۲	تحصیلات مادر			
*	۰/۱۱	عضویت رسمی			
n.s	۰/۱۱	ارتباطات غیررسمی			
n.s	۰/۰۳	استفاده از رسانه‌ها			
<i>P-value &gt; 0.05</i>	<i>n.s</i>	<i>P-value &lt; 0.05</i>	= *	<i>P-value &lt; 0.01</i>	= **

در میان متغیرهای دوشقی، رابطه‌ی دو متغیر محل تولد و وضعیت اشتغال زن با متغیر وابسته، معنی‌دار است. به این معنی که میانگین تعداد فرزندان زنانی که در روستا به دنیا آمده‌اند (۲/۸۳) و بعد در شهر سکونت گزیده‌اند، به طور معنی‌دار و قابل توجهی بالاتر از میانگین تعداد فرزندان زنان متولد شهر (۱/۹۳) است. اما رابطه‌ی این متغیر با باروری پس از کنترل متغیر سن از طریق همبستگی جزئی، دیگر معنی‌دار نیست. به علاوه تفاوت معنی‌داری بین میانگین تعداد فرزندان زنان غیرشاغل (۲/۲۴) نسبت به زنان شاغل (۱/۶۶) وجود دارد. بررسی دقیق‌تر رابطه‌ی میان عضویت در شبکه‌های رسمی و باروری زنان نشان می‌دهد که از بین انجمن‌های یاد شده فقط رابطه‌ی عضویت در دو انجمن خیریه و تعاونی‌ها با باروری معنی‌دار است. به طوری که زنانی که در این دو انجمن عضویت دارند، میانگین باروری بالاتری نسبت به زنان غیر عضو دارند. هم‌چنین آزمون همبستگی پیرسون میان میزان استفاده از هر یک از

رسانه‌ها با باروری نشان می‌دهد که تنها میزان استفاده از رسانه‌ی رادیو رابطه‌ی معنی دار و مستقیمی با باروری دارد و میان میزان استفاده از سایر رسانه‌ها و باروری رابطه‌ای مشاهده نمی‌شود.

جدول شماره‌ی ۳- آزمون تفاوت میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده بر حسب متغیرهای مستقل دوشقی

معنا داری	مقدار T	میانگین	متغیر	
**	۴/۰۵	۱/۹۳	شهر	محل تولد
		۲/۸۳	روستا	
**	۳/۲۳	۱/۶۶	شاغل	وضعیت اشتغال
		۲/۲۴	غیرشاغل	
*	۲/۴۵	۲/۴۴	عضویت دارد	انجمن خیریه و مذهبی
		۱/۹۶	عضویت ندارد	
*	۲/۰۴	۲/۴۲	عضویت دارد	تعاونی‌ها
		۱/۹۸	عضویت ندارد	

در ارتباط با آزمون چند متغیره چنان که در جدول شماره‌ی ۴ آمده است، در مدل یک، از متغیرهای وارد شده به مدل متغیرهای سن زن، تحصیلات زن و عضویت در شبکه‌های رسمی تأثیر معناداری بر تعداد فرزندان متولد شده داشته‌اند. این مدل در مجموع ۴۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. با توجه به علامت ضرایب بتا، رابطه‌ی دو متغیر سن زن و عضویت در شبکه‌های رسمی با متغیر وابسته، مستقیم و رابطه‌ی متغیر تحصیلات زن با باروری، معکوس است. بدین معنی که با افزایش تحصیلات زن، از باروری، کاسته می‌شود و با افزایش متغیرهای مستقل سن زن و میزان عضویت در شبکه‌های اجتماعی رسمی، متغیر وابسته افزایش می‌یابد.

جدول شماره‌ی ۴- نتایج آزمون رگرسیون خطی برای برآورد تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده

مدل دو		مدل یک		متغیرهای مستقل	
sig	$\beta$	Sig	$\beta$		
		**	۰/۵۰	سن	
**	-۰/۴۱	**	-۰/۲۲	تحصیلات زن	
**	۰/۱۵	**	۰/۱۵	عضویت در انجمنهای رسمی	
ns	-۰/۰۲	ns	-۰/۰۸	مرتبه‌ی شغلی خانواده	
ns	۰/۰۵	ns	۰/۰۳	محل تولد	
$R^2 = ۰/۲۰$		$R^2 = ۰/۴۱$			
$P\text{-value} > 0.05$	n.s	$P\text{-value} < 0.05$	= *	$P\text{-value} < 0.01$	= **

از آن جا که وجود رابطه‌ی مستقیم، میان سن زن و باروری طبیعی می‌باشد، در مدل دوم سن زن حذف شده است. نتایج حاصل در مدل ۲ جدول شماره‌ی ۴، نشان می‌دهد که باز هم متغیرهای تحصیلات زن و عضویت در شبکه‌های رسمی، وارد معادله‌ی رگرسیون می‌شوند و با توجه به علامت ضریب بتا، اثر تحصیلات زن منفی و اثر متغیر دوم بر باروری مثبت است. این متغیرها در مجموع ۲۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

جدول شماره ۵- آزمون تحلیل واریانس باروری براساس متغیر منطقه‌ی محل زندگی

Sig	F	Std.devi	تفاوت میانگین	میانگین	متغیر فاکتور	
					مناطق پایین	مناطق بالا
۰/۰۰۰	۳۸/۰۷	۱/۸۹	۱/۰۵	۳/۰۶	مناطق میانه	مناطق پایین
۰/۰۰۰			۱/۶۲		مناطق بالا	
۰/۰۰۰		۱۴/۵	-۱/۰۵	۲/۰۱	مناطق بالا	مناطق میانه
۰/۰۰۴			۰/۵۷		مناطق پایین	
۰/۰۰۰		۱/۲۱	-۱/۶۲	۱/۴۴	مناطق پایین	مناطق بالا
۰/۰۰۴			-۰/۵۷		مناطق میانه	

جدول شماره ۵ نتایج آزمون تحلیل واریانس باروری براساس متغیر منطقه‌ی محل زندگی را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که در تحلیل نهایی مناطق حوزه‌های خیابان‌های ناوی، امیرکبیر (انتهای شمالی)، اسلام‌آباد - جعفرآباد و اسرار جنوبی، به عنوان مناطق پایین، حوزه‌های خیابان‌های هویزه، چهل‌متری، مهراب، مدرس، به عنوان مناطق متوسط و حوزه‌های خیابان‌های ابن‌یمین شرقی، ارم، نجارآباد و فرهنگیان به عنوان مناطق بالا قرار گرفتند. چنان که در جدول مشاهده می‌شود تفاوت معنی‌داری در باروری زنان براساس منطقه‌ی محل سکونت وجود دارد و هرچه از مناطق پایین به سمت بالا حرکت می‌کنیم میانگین باروری کاهش می‌یابد.

#### ۸ - بحث و نتیجه‌گیری

جمعیت‌شناسان اندازه‌ی جمعیت جوامع را غالباً حاصل سه مؤلفه‌ی اصلی یعنی باروری، مرگ و میر و مهاجرت می‌دانند که در این میان مؤلفه‌ی باروری از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. این امر بیش‌تر به خاطر کنترل عامل مرگ و میر در قرن بیستم به خاطر پیشرفت پزشکی و بهداشت است. مرگ و میر در دوره‌ی قبل از گذار جمعیتی، عاملی مهم بود که پا به پای باروری تعیین‌کننده‌ی جمعیت جوامع انسانی محسوب می‌شد.

شناخت پویایی‌های باروری که مهم‌ترین مؤلفه‌ی جمعیت را در جهان کنونی تشکیل می‌دهد، برای برنامه‌های توسعه ضرورتی انکارناپذیر است. این امر به ویژه برای کشورهای در حال توسعه که دغدغه‌ی بیش‌تری برای توسعه و رشد دارند، اهمیت دارد. ایران به عنوان کشوری در حال توسعه کاهش باروری سریعی را در دهه‌ی اخیر تجربه کرده است. به گفته‌ی جمعیت‌شناسان این روند کاهش در دهه‌های آینده هم‌چنان ادامه می‌یابد.

موضوع سرمایه‌ی اجتماعی که به ویژه از دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی مورد اقبال زیاد اندیشمندان و پژوهشگران علوم انسانی قرار گرفت، امروز در مرکز بحث‌های توسعه قرار گرفته است. پیش از آن برای رشد جوامع، وجود منابع مادی و فیزیکی (زمین حاصلخیز، معادن و ذخایر طبیعی) و منابع انسانی (دانش و مهارت انسانی) کافی تلقی می‌شد. تجربه‌ی توسعه نیافتگی در بسیاری از کشورها علی‌رغم وجود این دو نوع سرمایه، اندیشمندان را به طرح مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی رهنمون شد که علاوه بر دو نوع سرمایه‌ی قبلی برای توسعه ضروری است. ضرورت مطالعه‌ی روابط میان اجزای سرمایه‌ی اجتماعی و موضوعات جمعیتی از جمله باروری احساس می‌شود.

در این مقاله به بررسی رابطه‌ی میان عضویت در شبکه‌های اجتماعی و استفاده از رسانه‌ها با باروری زنان در مناطق شهری پرداختیم. متغیر عضویت در شبکه‌های رسمی شامل انجمن‌های خیریه و مذهبی، انجمن‌ها و گروه‌های ورزشی، تعاونی‌ها، انجمن والدین و مربیان، انجمن‌های علمی، شغلی و هنری و متغیر شبکه‌های غیررسمی شامل خانواده، دوستان و همسایگان می‌شود. متغیر میزان استفاده از رسانه‌ها شامل تلویزیون داخلی و خارجی، رادیو، اینترنت، کتاب و مجلات می‌شود.

نتایج مطالعه نشان داد که رابطه‌ی متغیر میزان عضویت در شبکه‌های رسمی با باروری معنی دار و مثبت است؛ ولی رابطه‌ی عضویت در گروه‌های غیررسمی و میزان استفاده از رسانه‌ها با باروری معنی دار نیست. به نظر می‌رسد در شرایطی که در ایران، انجام برنامه‌های تنظیم خانواده در سطح ملی با قوت پی گرفته شد و اطلاع رسانی زیادی در این مورد صورت گرفت، دیگر زنان چندان نیازی به اخذ آگاهی از کانالهای ارتباطی غیررسمی مانند دوستان و همسایگان ندارند. از طرفی در جامعه‌ی در حال گذار ایران، این ویژگی ارتباطات غیررسمی زیاد، می‌تواند مؤلفه‌ای از فرهنگ سنتی واجد روابط عاطفه‌گرایانه باشد که بیش‌تر با باروری بالا همخوان است تا با باروری پایین. تحلیل جزئی‌تر داده‌ها نشان داد که عضویت در دو انجمن خیریه‌ی مذهبی و تعاونی‌ها، اثر مستقیم معنی داری بر باروری زنان دارد. این امر می‌تواند تا انجام تحقیقات بیش‌تر در مورد این رابطه، چنین تبیین شود که احتمالاً زنان مذهبی که بیش‌تر در انجمن‌های خیریه و مذهبی عضو می‌شوند، به خاطر ارزش‌های مذهبی که حامی باروری است، واجد فرزندان بیش‌تری هستند. به عبارت دیگر تفسیر عضویت در انجمن‌های مذهبی و باروری، هر دو می‌تواند تحت تأثیر مذهبی بودن باشد. در مورد رابطه‌ی معنی‌دار عضویت در تعاونی‌ها این رابطه با کنترل متغیر سن از طریق همبستگی جزئی دیگر معنی‌دار نبود. متغیرهای تحصیلات زن، تحصیلات شوهر و پدر و مادر و مرتبه‌ی شغلی خانواده با باروری زنان معنی‌دار و معکوس است.

چنان‌که دیدیم میان تحصیلات و باروری، رابطه‌ی معکوس وجود دارد. این یافته در اغلب پژوهش‌های پیشین در ایران مورد تأیید قرار گرفته است (نوروزی ۱۳۷۷، شهبازی ۱۳۷۷، رشیدی ۱۳۷۹، قدرتی ۱۳۸۱).

رابطه‌ی معنی‌دار و مستقیم متغیر میزان عضویت در شبکه‌های رسمی با باروری در تحلیل تک متغیره، و ورود آن به معادله‌ی رگرسیون با ضریب بتای مثبت، مؤید تحقیقات پیشین در کشور لهستان است (Buhler and Fratzack, 2004: 2). شبکه‌ها و انجمن‌های داوطلبانه بخش مهمی از جامعه‌ی مدنی محسوب می‌شوند که بدون گسترش آن‌ها، توسعه‌ی اجتماعی جوامع امکان‌پذیر نیست. این شبکه‌ها در نگاه دانشمندان علوم اجتماعی جایگاه خاصی در نظم و ساختار اجتماعی جامعه داشته و دارند به طوری که دورکیم از گروه‌های حد واسط برای حل مشکل رابطه‌ی فرد با جامعه در جوامع جدید یاد می‌کند (آرون<sup>۱</sup> ۱۳۷۷: ۳۷۵) و زیمل<sup>۲</sup> با مفهوم حلقه‌های متقاطع، که رشد آن‌ها را در جوامع جدید نشانه‌ی تحول فرهنگی دانسته و افزایش عضویت فرد در آن‌ها را موجب بهبود پایگاه اجتماعی و موقعیت فرد تلقی می‌کند (کوزر<sup>۳</sup> ۱۳۷۳: ۲۶۳-۲۶۴). بلاو از کارکرد جامعه‌پذیری، انسجام و حمایت اجتماعی حاصل از عضویت افراد در گروه‌ها، سخن می‌گوید (کوزر و روزنبرگ<sup>۴</sup> ۱۳۷۸: ۵۲۷) دو توکویل<sup>۵</sup> کمک و حمایت دریافتی افراد را از همدیگر در قالب گروه‌های مذهبی و متأثر از آداب و رسوم اخلاقی جامعه‌ی آمریکا (توکویل ۱۳۸۳: ۴۲۸-۴۳۰) با دموکراسی آمریکا مرتبط می‌داند و پاتنام عضویت در شبکه‌های افقی را مرتبط با توسعه‌ی مناطق شمالی ایتالیا و عدم رشد این شبکه‌ها را عامل توسعه نیافتگی جنوب ایتالیا می‌داند (پاتنام ۱۳۸۰: ۲۷۳).

ایران در دوره‌ی پس از انقلاب به خاطر تغییرات عظیم اجتماعی اقتصادی و سیاسی، کاهش سریع و شگفت‌انگیزی را در باروری تجربه کرده است (Abbasi-Shavazi, 2001: 4). به نحوی که اینک این کاهش به زیر سطح جایگزینی رسیده است. با ادامه‌ی این روند، ساختار سنی جمعیت در دهه‌های آینده رو به سالخوردگی می‌رود و چشم‌انداز جمعیتی سالخورده با بار تکفل بالا چنان‌که کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی تجربه می‌کنند، دور از انتظار

<sup>1</sup>- Aron

<sup>2</sup>- Simmel

<sup>3</sup>- Coser

<sup>4</sup>- Rosenberg

<sup>5</sup>- Tocqueville

نیست. البته اگر چه ترغیب به افزایش فرزندآوری با توجه به اثر افزایشی تکنه‌ی جمعیتی به ویژه در دهه‌ی اول بعد از انقلاب، زود هنگام به نظر می‌رسد اما شناخت مکانیسم‌های اثرگذار بر میزان باروری برای سیاست‌گذاری بهتر در دهه‌های آینده ضروری است.

یکی از عوامل مؤثر بر باروری - چه کنترل آن و چه افزایش آن - در جهان امروز شبکه‌های اجتماعی است. شبکه‌های اجتماعی در برخی جوامع به گسترش آگاهی از وسایل جلوگیری و اشاعه‌ی این وسایل و در نتیجه کنترل باروری کمک کرده است و در برخی شرایط به خاطر فراهم کردن حمایت‌های اجتماعی اقتصادی، موجب ترغیب زنان به فرزندآوری می‌گردد. در هر صورت اهمیت این شبکه‌ها به عنوان بعدی مهم از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، امروز بر کسی پوشیده نیست. در تحقیق حاضر رابطه‌ی مستقیم عضویت زنان در شبکه‌ها با باروری تأیید گردید. از این حیث برنامه‌ریزی برای استقبال از شکل‌گیری هر چه بیش‌تر شبکه‌های خودانگیخته‌ی مدنی می‌تواند تضمینات مثبتی برای برنامه‌های جمعیتی نیز داشته باشد.

مشخص ساختن میزان تأثیر تمام انواع انجمن‌ها و گروه‌های داوطلبانه بر باروری و مکانیسم اثرگذاری، موضوعی است که باید در تحقیقات بعدی بیش‌تر مورد واکاوی قرار گیرد. در پژوهش حاضر، صرف عضویت یا عدم عضویت مورد بررسی قرار گرفت؛ اما متغیرهایی مانند مدت زمان عضویت در شبکه، میزان فعالیت افراد در آن، محتوای کار و فعالیت شبکه، میزان حمایت شبکه از اعضا، نوع حمایت (اجتماعی، اقتصادی و غیره) و حتی سنخ شناسی این نوع شبکه‌ها بر اساس ساختار قدرت و جریان اطلاعات نیاز به تحقیق مستقل و مفصل دارد.

متغیر دیگری که اثر آن بر باروری تأیید گردید، منطقه‌ی محل سکونت است. به نظر می‌رسد رفتار باروری نیز مانند بسیاری دیگر از جهت‌گیری‌های افراد در زمینه‌ای از روابط، تعاملات و سطوح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رخ می‌دهد که این امر در بافت منطقه‌ی محل سکونت تجلی می‌یابد. مناطق پایین شهر که گرایش سنتی قوی تری به فرزندآوری دارند، از میانگین باروری بالاتری برخوردارند و هر چه به مناطق بالاتر نزدیک می‌شویم، از میزان باروری زنان کاسته می‌شود. بر اساس این یافته می‌توان گفت که برنامه‌ها و سیاست‌های جمعیتی چه با هدف کاهش و چه افزایش باید متغیر منطقه‌ی محل سکونت را مدنظر قرار دهند و سامان دهی این برنامه‌ها در چارچوب منطقه‌ی محل سکونت، اثرگذاری آن را افزایش می‌دهد.

## ۹ - فهرست منابع

- (۱) آرون، ریمون (۱۳۷۷)؛ مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- (۲) پاتنام، روبرت (۱۳۸۰)؛ دموکراسی و سنت‌های مدنی. ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، تهران: روزنامه سلام.
- (۳) توکویل، آکسی دو (۱۳۸۳)؛ تحلیل دموکراسی در آمریکا. ترجمه‌ی رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای. تهران: علمی و فرهنگی.
- (۴) جوان، جعفر (۱۳۸۸)؛ جغرافیای جمعیت ایران. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- (۵) رشیدی، ابراهیم (۱۳۷۹)؛ بررسی تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی مؤثر بر باروری در شهر دهاقان استان اصفهان، فصلنامه‌ی جمعیت، شماره‌ی ۳۳ و ۳۴، صص: ۱-۲۱.
- (۶) شهبازی، عباس (۱۳۷۷)؛ برخی از عوامل اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری شهرستان نهاوند، فصلنامه‌ی جمعیت، شماره‌های ۲۳ و ۲۴، بهار و تابستان، صص: ۵۸-۷۷.
- (۷) عباسی شوازی، محمدجلال، حسینی چاوشی، میمنت و پیتز مک دونالد (۱۳۸۸)؛ مسیر کاهش باروری به زیر سطح جایگزینی در جمهوری اسلامی ایران، در صادقی، رسول، جمعیت و توسعه در ایران: ابعاد و چالش‌ها یافته‌های تحقیقات کاربردی پروژه‌ی جمعیت و توسعه دانشگاه تهران، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، ۴۱-۴۶.
- (۸) عبدالمجید، صرافی، مظفر، و توکلی‌نیا، جمیله (۱۳۸۹)؛ بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره‌ی ۷۲، تابستان ۱۳۸۹، صص: ۸۳-۱۰۲.
- (۹) فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵)؛ پایان نظم: سرمایه‌ی اجتماعی و حفظ آن. ترجمه‌ی غلامعباس توسلی. تهران: نشر حکایت قلم نوین.
- (۱۰) فیالکوف، یانکل (۱۳۸۳)؛ جامعه‌شناسی شهر. ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: آگه.
- (۱۱) فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۴)؛ نقد و معرفی کتاب بولینگ تک نفره: فروپاشی و احیای مجدد اجتماع آمریکایی، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی ششم، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۳۸۴، صص: ۱۶۴-۱۵۶.
- (۱۲) قدرتی، حسین (۱۳۸۱)؛ بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی مؤثر بر رفتار باروری زنان: مطالعه‌ی موردی دهستان بیهق شهرستان سبزوار. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، شیراز: دانشگاه شیراز، دانشکده‌ی علوم اجتماعی.
- (۱۳) کوزر، لوئیس (۱۳۷۳)؛ زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- (۱۴) کوزر، لوئیس. ای و برنارد روزنبرگ (۱۳۷۸)؛ نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- (۱۵) مقدس، علی‌اصغر (۱۳۷۴)؛ منزلت مشاغل در جامعه‌ی شهری ایران: مورد مطالعه شهر شیراز، مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره‌ی دهم، شماره‌ی دوم، بهار، صص: ۶۵-۹۴.
- (۱۶) منصوریان، محمدکریم (۱۳۸۰)؛ تبیین انتقال باروری، مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، سال هشتم، شماره‌ی پیاپی ۳۲، صص: ۲۵-۴۸.
- (۱۷) میرزایی، محمد (۱۳۸۴)؛ جمعیت و توسعه با تأکید بر ایران: ده مقاله، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- (۱۸) نوروژی، لادن (۱۳۷۷)؛ بررسی تأثیر عوامل اقتصادی-اجتماعی بر میزان باروری زنان در ایران، مجله‌ی برنامه و بودجه، شماره‌ی ۳۰، صص: ۶۱-۷۸.

- (19) Abbasi-Shavazi, M. J, Mc Donald, P and M. Hosseini-Chavoshi. (2009) *The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction*, London: Springer.
- (20) Abbasi-Shavazi, Mohammad Jalal (2001). "The Fertility Revolution in Iran", *Population et Societes*, No. 373, November, 2001.
- (21) Bernardi, Laura. Keim, Sylvia and Holger, Von. Der Lippe. (2007) "Social Influenced on Fertility: A Comparative Mixed Methods Study in Eastern and Western Germany", *Journal of Mixed Methods Research*, 1, 1, 23-47.
- (22) Bongaarts, J, and Watkins, S. C. (1996). "Social Interactions and Contemporary Fertility Transitions." *Population and Development Review* 22 (4): 639-682. New York: The Population Council.
- (23) Bonoli, Giuliano. (2008). "The Impact of Social Policy on Fertility: Evidence from Switzerland", *Journal of European Social Policy*, Vol. 18 (1), pp. 64-77.
- (24) Brown, Susan. K and Frank, D. Bean. (2005) "International Migration", in Poston, Dudley. L. and Micklin, Michael (Eds), *Handbook of Population*, United States: Kluwer Academic/Plenum Publisher, 347-382.
- (25) Buhler, Christoph, and Fratzack, Ewa. (2004) "Social Capital and Fertility Intentions: The Case of Poland", MPIDR Working Paper WP 2004-012, April 2004.
- (26) Buhler, Christoph. (2009) "On the Structural Value of Children and Its Implication on Intended Fertility in Bulgaria", *Demography Research*, Vol. 18, Article 20, 569-610.
- (27) Caldwell, John. C. (2006). *Demographic Transition Theory*, the Netherlands: Springer.
- (28) Coleman, J. S. (2002). "Social Capital in the Creation of Human Capital". In: Calhoun, C. and Others. *Contemporary Sociological Theory*. Oxford: Blackwell. pp. 110-125.
- (29) Field, John. (2003). *Social capital*. London: Routledge.
- (30) Furedi, Frank. (1997) *Population and Development*, UK: Polity Press.
- (31) Inglehart, R. and Noris, P. (2003). "The True Clash of Civilization", *Foreign Policy*, No. 135, Mar-Apr, pp.62-70.
- (32) Keim S., A. Klärner, and L. Bernardi. (2009). "Who is relevant? Exploring fertility relevant social networks." MPIDR Working Paper WP 2009-001. Rostock: Max Planck Institute for Demographic Research.
- (33) Kohler, H. and Bühler, C. (2001). *Social networks and fertility*. In *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, Vol. 21, edited by N. J. Smelser and P. B. Baltes, pp. 14380–14388. Amsterdam: Elsevier Science.
- (34) Locoh, Therese. And Vandermeersch, Celine. (2000) "Fertility Control in Third World Countries", in Caselli, Graziella. Vallin, Jaques and Wunsch, Guillaume, (eds), *Demography: Analysis and Synthesis, A Treatise in Population*, UK: Elsevier, 95-128.
- (35) Matysiak, Anna and Daniele Vignol. 2007. "Fertility and women's employment: A meta Analysis". *European Journal of Population*, vol. 24 , no. 4, pp. 363-384.
- (36) Mc Donald, Peter. (2000). "Gender Equity, Social Institutions and the Future of Fertility", *Journal of Population Research*, Vol.17, No.1. pp:1-15.

- (37) Paxton, P. (1999). *"Is Social capital Declining in the United States? A Multiple Indicator Assesment"*. *The American Journal of Sociology*, Vol.105, No.1. Jul., 1999, pp.88-177.
- (38) Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon and Schuster.
- (39) Robey, Bryant, Rutstein, Shea, O and Leo, Morris. (2002) *"The Fertility Decline in Developing Countries"*, in Trovato, Frank (Ed), *Population and Society: Essential Readings*, Oxford: Oxford University Press, 227-235.
- (40) Rose, Rrichard. (2000). *"Getting Things Done in an Antimodern Society: Social Capital Networks in Russia"*. In: Dasgupta, P. and Ismaail, Serageldin. *Social Capital: A Multifaceted Perspective*. Washington, D.C: The World Bank. Pp.147-171.
- (41) United Nations. (1990). *"Socio-economic Development and Fertility Decline"*, Vol. 102, pp.3-8.
- (42) Weeks, John, R. (1992). *Population: An Introduction to Concepts and Issues*. California: Wadsworth, Inc.

Archive of SID